



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۶۲

۱۶ خرداد ۱۳۸۲

۶ ژوئن ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود
www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

به کارگران و مردم مبارز بهشهر

اصغر کریمی

از اعتصاب غذای کارگران چیت سازی روزهای طولانی میگذرد و هنوز خواست عادلانه آنها، یعنی پرداخت فوری دستمزد آنها، جواب نگرفته است. پیروزی کارگران چیت سازی پیروزی برای همه شما است و راه پیروزی آنها پشتیبانی همه شما از آنها است.

کل ۲۷ ماه دستمزد پرداخت نشده کارگران چیت سازی ۵ میلیارد تومان است یعنی کمتر از ۲۰۰ میلیون تومان در ماه. این مبلغ بسیار کمتر از یک هزارم بودجه تسلیحاتی حکومت اسلامی است، کمتر از یک هزارم بودجه حوزه های علمیه و کله مفتخور آیت الله ها است، کمتر از یک هزارم کمک به حزب الله و تروریستهای اسلامی، و بسیار کمتر از یک هزارم دزدیهای کلان مقامات و آقاهاست. همه آن پولها سر وقت پرداخت میشود، دزدیهای کلان هرروز صورت میگیرد و رشوه های هنگفت پرداخت میشود. همه میدانند که همه اینها حاصل استثمار کارگران است اما دستمزد ناچیز آنها پرداخت نمیشود و نه بیمه ای در کار است، نه کمک هزینه مسکنی. نه طب رایگانی وجود دارد و نه آموزش و پرورش.

طلب کارگران را باید از حلقوم مفتخورهای حاکم بیرون کشید. فقر و گرسنگی خانواده های کارگران را در وضعیتی غیرقابل توصیف قرار داده و بسیاری از خانواده ها از هم پاشیده شده است. علاوه بر این، جان تعدادی از کارگران نیز در خطر است. باید زودتر کاری کرد. شما تاکنون پشتیبان کارگران اعتصابی بوده اید. نیروی شما میتواند جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادار کند. یک اعتراض بزرگ، یک تجمع چندهزار نفره از مردم آزادیخواه بهشهر در مقابل کارخانه، یک راهپیمایی چندهزار نفره در مرکز شهر اهرم قدرتمند شما در مقابل

صفحه ۴

ادامه اعتراض تشکلهای کارگری به جمهوری اسلامی

صفحه ۴

جنبش سرنگونی در مقابله با سیاست "تغییر رژیم" آمریکا

حمید تقوائی

دور جدیدی در مناسبات میان آمریکا و ایران آغاز شده است. و اینبار البته ابتکار عمل تماما در دست مقامات آمریکائی است. ظاهرا دولت آمریکا پس از پیروزی نظامی اش در عراق موقعیت را برای تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی مناسب میبیند و گر چه به نظر میرسد مضمون این تعیین تکلیف، بجز انتظارات محدود منطقه ای نظیر عدم دخالت در عراق و یا قطع حمایت از حزب الله لبنان، هنوز دقیقا برای مقامات آمریکائی روشن نیست، اما این روشن است

که دولت آمریکا قصد دارد در پرتو پیروزی در عراق از موضع فعال تر و تعرضی تری با جمهوری اسلامی برخورد کند. اتفاقات اخیر در مناسبات دو دولت، ابتدا مذاکرات مقامات آمریکائی، بطور علنی در ژنو و بشکل مخفی در آتن، با مقامات جمهوری اسلامی (از جناح راست و خط رفسنجانی) و سپس قطع یکجانبه این مذاکرات و طرح لایحه براندازی از جانب سناتور براون بک و عنوان کردن سیاست "تغییر رژیم" در مورد جمهوری اسلامی از طرف



پنتاگون و مقامات عالیترتبه وزارت دفاع آمریکا، و بالاخره معلق گذاشتن کل مساله، هم نشاندهنده موضع تعرضی و برتر آمریکا و هم در عین حال ناروشتی و اختلاف نظر در میان مقامات دولت آمریکا در رابطه با جمهوری اسلامی است. اینکه این "ناروشتی و اختلاف" بالاخره چگونه حل میشود، آیا آمریکا سیاست تغییر رژیم را تا حد حمله نظامی پی میگیرد و یا دور

صفحه ۲

ما پرچمدار دفاع از حق انسانیم

صفحه ۳

هیجدهم تیر امسال

علیه موجودیت حکومت قرون وسطایی!

برای آزادی و برابری!

در دل این جنبش اند. هیجده تیر روز اعتراض به سرتاپای رژیم نکت اسلامی ایران و همه جوانب زن ستیزانه، خفقان، فقر و بی حقوقی است. به این اعتبار روز همه مردم آزادیخواه است و امسال باید نه تنها دانشگاهها و خیابانها، بلکه کارخانه ها و محل های کار و سرتاسر جامعه را در این روز به میدان آورد.

رژیم اسلامی ایران همه تلاش اش را برای ایجاد مانع در مقابل ما بکار انداخته است. از ارباب و تهدید، تا فریب و دسیسه و توطئه، همه توان خود را بکار انداخته

صفحه ۳

جوانان ایران، دانشجویان و مردم آزادیخواه!

به هیجده تیر، روز اعتراض و دادخواهی نزدیک میشویم. این روز ما دانشجویان، جوانان، مردم و زنان و مردان به تنگ آمده از حکومت قرون وسطایی اسلامی است. جنبش سرنگونی طلبی مردم ایران مهرش را بر ۱۸ تیر حک کرده است.

ما سنت هیجده تیر را بنا نهادیم. سنتی از اعتراض و حمله به حکومت انسان ستیز اسلامی در ایران. در این سنت جوانان و دانشجویان در صف مقدم این اعتراض و دانشجویان و جوانان چپ و کمونیست مبشر ایده های سوسیالیستی و انسانی خود

پیام

بهرام مدرسی

دبیر سازمان

جوانان کمونیست

به مناسبت

سالگرد ۱۸ تیر



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

جنبش سرنگونی

"تغییر رژیم" امروز آنان نیز ربطی به این جنایات و دفاع از مردم ندارد. در مورد عراق و افغانستان چنین نبود و در مورد ایران نیز چنین نخواهد بود.

"تغییر رژیم" جزئی از سیاست نظم نوین جهانی است که اگر به حمله نظامی به ایران منجر شود نتایج فاجعه باری برای مردم بدنبال خواهد داشت. اما این سیاست بدون حمله نظامی نیز حاصلی برای مردم ایران نخواهد داشت. تغییر رژیم حتی بشکل غیرنظامی را باید در چارچوب تمهیدات راست نظیر کودتا و بند و بست از بالا برای جانشینی رژیم جمهوری اسلامی قرار داد که کمترین ضررش برای مردم پایمال کردن حق و نظر آنان در تعیین حکومت و جانشین کردن دیکتاتوری مذهبی با نوع امروزی تر سرکوب و خفقان در ایرانست.

اپوزیسیون راست در این سیاست جدید آمریکا شانس روی کار آمدن خود را میبیند و بهمین دلیل نیز بوجد آمده و فعال شده است. این کاملاً طبیعی و قابل انتظار بود. اپوزیسیون راست همیشه شانس خود را در جلب حمایت آمریکا و گرفتن قدرت از بالا به اشکالی نظیر کودتا جستجو میکرد و امروز که قرارست همین راه و روش در بسته بندی جدید "تغییر رژیم" و "حمله پیشگیرانه" در دستور آمریکا قرار بگیرد طبیعی است که راست ذوقزده شود و به جنب و جوش بیفتد. این ذوقزدگی چنان زمخت و کریه است که دیروز راست را با استقبال حمله آمریکا به عراق برد و امروز در مورد ایران نیز دارند خود را برای چنین سناریویی آماده میکنند. به هرحال این تحولات و جست و خیزها در رابطه سه جانبه بین آمریکا، جمهوری اسلامی و نیروهای اپوزیسیون راست تماماً در کمپ ارتجاع صورت میگیرد و یکسره در مقابل مردم و جنبش رادیکال و انسانی آنان برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی قرار دارد. برای مردم ایران کلید و حلقه اصلی مقابله با ارتجاع جهانی تسویه حساب با رژیم جمهوری اسلامی است.

کمپ ارتجاع

در برابر جهان متمدن

کل مسأله رابطه آمریکا با رژیم اسلامی ایران و از جمله تانگویی سیاسی تازه ای که بین این دو آغاز شده مسأله ای تماماً متعلق به کمپ ارتجاع است. ارتجاع سیاهی که از دوران جنگ سرد سر برآورد و دولت بوش و تروریسم اسلامی از محصولات تبعی آنند. ارتجاع سیاهی که منصور حکمت پس از

۱۱ سپتامبر جهان متمدن را به مقابله با آن فراخواند. تغییر و تحولات بین نیروهای این کمپ، تنش و آرامش و یا جنگ و صلح در میان آنها، بخودی خود هیچیک از این نیروها را بهتر و یا بدتر از دیگری و یا دورتر و نزدیکتر بمردم نمیکند. تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی آمریکا هر اندازه هم که در مقابل یکدیگر قرار بگیرند، همزاد و مکمل یکدیگرند. بیکدیگر نیرو و توجیه سیاسی میدهند و از یکدیگر ارتزاق میکنند.

حتی اگر سابقه اسلام سیاسی بعنوان جریانی که اساساً بعنوان سپر دفاعی در مقابل خطر سرخ در ایران و افغانستان بوسیله غرب و آمریکا بمیدان آورده شد را در نظر بگیریم، نفس تقابل و موازنه ای که بین دو نیروی اسلام و غرب در نظم نوین جهانی پس از جنگ وجود دارد آنها را اساساً و از بنیاد در کنار یکدیگر و در برابر جهان متمدن قرار میدهد. در همه تحولات مهم پس از فروپاشی شوروی، جنگ اول خلیج، ۱۱ سپتامبر، جنگ افغانستان و جنگ اخیر عراق، ما شاهد این خدمات متقابل اسلام سیاسی و غرب بیکدیگر بوده ایم. جنایت ۱۱ سپتامبر کاینه رو به ضعف بوش را احیا کرد و بهانه تازه ای برای تعرض "ضد تروریستی" تروریستهای نشوکنسرواتیبو آمریکائی فراهم آورد، و در مقابل بن لادن و القاعده را به قهرمانان اسلام سیاسی در خاورمیانه و کشورهای اسلامی تبدیل کرد. در افغانستان و در جنگ عراق نیز اسلام سیاسی هم در نقش هدف و توجیه گر حمله نظامی آمریکا ظاهر شد و هم بعنوان قربانی و پرچمدار مقاومت در برابر زورگویی و جنایات جنگی آمریکا. تروریسم اسلامی، در کنار ناسیونالیسم افراطی و قوم پرستی، از عوارض فروپاشی شوروی بودند که در "فضای باز سیاسی" پس از دیوار برلین از یکسو خودبخود رو آمدند و میدانی برای تاخت و تاز پیدا کردند و از سوی دیگر در اردوگاه فاتحین جنگ سرد، در سیاست ارتجاعیون سردمدار سرمایه داری بازار آزاد، و سازماندانان به نظم نوین جهانی مطلوب آنان نقش ابرازی ویژه ای پیدا کردند.

این خدمات متقابل اسلام و ارتجاع غربی بیکدیگر تصادفی و ناشی از همسوئی سیاسی و تاکتیکی نیست. نشوکنسرواتیبو غربی از لحاظ ایدئولوژیک و در افق و آرمان و فلسفه سیاسی خود نقاط مشترک زیادی با اسلام

سیاسی دارد و همین اشتراک افق و دیدگاه است که آنها را در پایه ای ترین سطح و مستقل از صلح و جنگشان در کنار یکدیگر و در برابر بشریت متمدن قرار میدهد. طرز فکر تاچر و ریگان و بوش و رامسفلد و بلر و ژنرال گارنر در مورد مثلاً آزادی زنان در جامعه و یا سقط جنین و مجازات اعدام و همجنس گرایی و آزادیهای جنسی و نقش مذهب در خانواده و مدارس و مسائلی از این قبیل که همواره مسائل جداکننده راست و چپ در جوامع غربی بوده اند فرق چندانی با طرز فکر مراجع اسلامی و آیت الله ها ندارد. از همان جنس است و با آن هم‌ریشه و، در برابر چپ، همسنگر است. اینان نیز معتقدند جای زنان در آشپزخانه است، باید جلوی "بی بند و باریهای جنسی" را گرفت، باید در مدارس دعای صبحگاهی خواند و داستان آفرینش به روایت انجیل را نیز تدریس کرد، باید ارزشهای مذهبی و اخلاقی را در خانواده ها و در جامعه رواج داد، باید در برخورد به مجرمین و قانون شکنان سخت گیر تر بود و مجازات اعدام را

بیشتر و وسیعتر کرد و غیره و غیره. اگر همین امروز در آمریکا چنین نمیکند توانش را ندارند. وگرنه آرمان و قصد و هدفشان همین است و از همان زمانی که مارگارت تاچر همین نوع ارزشها را بقول خودش "فریاد زد"، هر جا توانسته اند این نوع سیاستها را پیاده کرده اند. اگر دنیا بدست اینان بود نشانی از تمدن و انسانیت در کره خاکی بجا نمیماند.

این رویای مناسب سرمایه داری بازار آزاد است. طبیعی است که مدل اقتصادی فاتح جنگ سرد، بخواهد مدل فکری-فرهنگی-سیاسی مناسب خودش را نیز بر جهان مسلط کند و اسمش را هم نظم نوین جهانی بگذارد. نظم مغلوب، مدل شوروی، گرچه تنها در اسم سوسیالیستی بود اما با انقلاب اکتبر شکل گرفته بود و خواه ناخواه مظهر ارزشهای انقلابی بود که تمام جهان پس از انقلاب اکتبر را تحت تاثیر خود قرار داد. حق رای زنان و آزادی زن، دولت رفاه، مسئولیت دولت در قبال جامعه، حقوق اقلیتها، حق تشکل و اعتصاب کارگران، حق بیکاری و بازنشستگی، اینها همه از نتایج گسترش نفوذ چپ، سوسیالیسم و سوسیال دموکراسی در غرب بود. اینها همه به سرمایه داری بازار آزاد تحمیل شده بود و به همین خاطر هم همیشه از جانب احزاب راست، بخصوص در آمریکا، مورد حمله قرار میگرفت.

راست که از این آزادیها و اصلاحات تحمیل شده بوسیله چپ متنفر بود، با فروپاشی شوروی در متن و راس سیاست و جهان بینی سیاسی غرب قرار گرفت و تلاش کرد تا دنیا را برنگ سیاه خود در آورد. در این میان جنبشها و جریانات مذهبی و قومی و بخصوص اسلام سیاسی از جمله مصالح آماده ای بودند که در این دوره تلاطم گذار به نظم نوین در نقشه سیاسی جهان نقش مهمی ایفا کردند.

امروز آمریکا برای تثبیت هژمونی و سرکردگی خود بر جهان علم مبارزه با تروریسم اسلامی را بلند کرده است، اما نظمی که آمریکا خواهان آنست در ضدیث با انسان و انسانیت دستکمی از دنیای سیاه اسلامیون نخواهد داشت. چنین به نظر میرسد که اولین میدان نبرد رو در رو میان این دو نیرو ایران جمهوری اسلامی خواهد بود. اگر چنین باشد، چپ و جنبش سرنگونی در ایران پیشکسوت دنیای متمدن در نبرد با نیروهای سیاه نظم نوین جهانی خواهند بود.

جنبش سرنگونی با پرچم آزادی و برابری

یک فرق اساسی شرایط سیاسی ایران با افغانستان و عراق جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران است. این یک جنبش وسیع، پیگیر و ممتد، و با خصلتی انسانی و رادیکال است. رادیکال آنکه است قبل از هر چیز بخاطر آنکه با یک رژیم ارتجاعی اسلامی به مقابله برخاسته است.

در ایران اسلام سیاسی در حاکمیت است و چپ و انسانیت و مدرنیسم و انساندوستی را به نظر ایران جمهوری اسلامی، نه تنها در مقایسه با کشورهای دیگر خاورمیانه که در اغلب آنان اسلام سیاسی در اپوزیسیون است، بلکه در مقایسه با همه کشورهای که در دوران پس از جنگ سرد فرهنگ و ارزشهای سیاسی و اجتماعی آنان تماماً به راست چرخیده است، موقعیت منحصر بفردی دارد. چپ، به معنای وسیع و اجتماعی کلمه، در ایران قوی است و با یک نگاه ساده به ارزشها و تحولات سیاسی در ایران این واقعیت را بوضوح میتوان مشاهده کرد. سکولاریسم، آزادیهای بیقید و شرط، کوتاه شدن دست مذهب از جامعه، لغو مجازات اعدام و خواستها و ارزشهای نظیر اینها

از صفحه ۱

پیام بهرام مدرسی

است تا مانع برگزاری باشکوه این روز شود.

رژیم اما ضعیف تر، شکننده تر و بیمار تر از آن است که بتواند مانع ما شود، باید از این فرصت استفاده کرد و امسال بزرگتر و باشکوه تر از هر سال هیجدهم تیر را برگزار کرد.

روز ۱۸ تیر را باید به روز سراسری اعتراض به رژیم اسلامی تبدیل کرد و نه تنها توان سرکوب و حمله، که توان حکومت کردن و

در قدرت نشستن را از او گرفت. در ۱۸ تیر امسال با شعار آزادی و برابری به میدان بیایم و رژیم را یک گام دیگر به پرتگاه نزدیک کنیم.

سازمان جوانان کمونیست در پیشاپیش این نبرد است و به استقبال هر چه باشکوهتر برگزار کردن این اعتراض علیه موجودیت جمهوری اسلامی خواهد بود.

در ۱۸ تیر اجازه ندهیم هیچ جریانی با هیچ توجه و بهانه ای، از جمله بهانه های مذهبی، ملی و فرژاند ... کمترین تخفیفی در اهداف آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم بدهند. باید نیروی خود را به میدان آوریم تا هیچ



دیگر از نفوذ و پایگاه وسیعی در جامعه برخوردار است. با اینهمه امروز این جنبش با سناریوی "تغییر رژیم" از جانب آمریکا و نیروهای راست تهدید میشود. میخوانند مردم را دور بزنند، منتظر نگاهدارند، مرعوب و نومید کنند و بخانه بفرستند. میخوانند با نسخه ای شبیه عراق و افغانستان جنبش سرنگونی طلبانه مردم را سقط کنند و اختناق اسلامی را با اختناق "ملرن" تری جانشین کنند. پاسخ چه به این وضعیت، فشرده و متشکل تر کردن صفوف مردم در مقابله با جمهوری اسلامیست. تنها حضور متشکل و قدرتمند مردم در صحنه مبارزه با رژیم و با پرچم آزادی و برابری، و با خواستهای انسانی و متمدانه "خلاف جریان" خود میتواند در برابر ارتجاع جهانی بایستد و سیاستهای ضد انسانی آنرا خنثی کند. راه مقابله با حمله نظامی آمریکا و تمهیدات و بند و بستهای اپوزیسیون راست برای تغییر رژیم از بالای سر

کس از بالای سر مردم برای تعیین حکومت آتی نقشه و برنامه نریزد. جنبش آزادی و برابری در ایران پس از ۱۸ تیر امسال باید محکمتر، رساتر و پرقدرتتر برای ساختن جامعه انسانی، جامعه ای که در آن خبری از توحش مذهب، زن ستیزی، ملیت و فقر و نابرابری نیست، به میدان آید.

زنده باد آزادی!

زنده باد برابری!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

بهرام مدرسی

۱۳ خرداد ۱۳۸۱ - ۳ ژوئن ۲۰۰۳

ما پرچمدار دفاع از حق انسانیم

کیوان جاوید

از طرف همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی



روزنامه دست راستی دیلی میل در جریان دفاع پرشور فدراسیون از خواسته های عباس امینی، پناهجویی که در اعتراض به رای دولت انگلیس مبنی بر عدم برسمیت شناختنش بعنوان پناهنده با دوختن دهان، چشم و گوشش دست به اعتصاب غذا زده بود چنین نوشت: "افراطی ها این کیس را در دست گرفته اند".

خلاصه ای از ماجرا

عباس امینی فعال سیاسی و زندانی سیاسی سابق بعد از اینکه در سال ۲۰۰۱ با اداره مهاجرت مصاحبه می کند، جواب منفی دریافت می کند. بعد از آن برای چندمین بار دادگاه او عقب می افتد و سرانجام دادگاه بدون حضور نماینده اداره مهاجرت تشکیل شده و رای بر پذیرش پناهندگی این پناهجو می دهد. اداره مهاجرت این حکم را نمی پذیرد و در مقابل این رای فرجام می دهد. عباس امینی در اعتراض به فرجام اداره مهاجرت دست به اعتصاب غذا می زند. او همچنین اعلام می کند که این اعتصاب در دفاع از همه پناهجویان نیز می باشد.

فدراسیون به محض مطلع شدن از این واقعه با تمام توان وارد کارزار دفاع از خواسته ها و زندگی این پناهجو شده و اعلام میکنند علیرغم اینکه با اعتصاب غذا یا هر روش دیگری که به جسم پناهجویان ضرر می رساند مخالف است، از خواست عباس امینی دفاع میکنند. همزمان، سام آزاد، نماینده منطقه ای فدراسیون در انگلیس خبر این اعتصاب و شرایط بحرانی عباس امینی را به رسانه ها میکشاند. یک کار فشرده سیاسی، تبلیغی و افشاگرانه صورت گرفت تا بخش هر چه وسیع تری از مردم انگلیس به دفاع از پناهجویی یاد شده برخیزند. طولی نکشید که بخش اعظم روزنامه ها و شبکه های رادیو و تلویزیونی خبر فوق را در صدر اخبار خود قرار دادند و بزودی این خبر مرزهای انگلیس را درنوردید و جهانی شد. از واشنگتن پست تا نیویورک تایمز و از گاردین، دیلی میور، ایندپندینت تا بخش جهانی تلویزیون بی بی سی تا شبکه های پنجگانه تلویزیون در انگلیس این موضوع مهم را تحت پوشش خبری

قرار دادند و با مسئولین فدراسیون در انگلیس - رضا مرادی و بهزاد امینی - و خصوصا سام آزاد که ضمنا سخنگوی عباس امینی نیز بود، مصاحبه کردند. در همه این مصاحبه ها مسئولین فدراسیون انگشت اتهام را علیه دولت انگلیس نشانه گرفتند و مامشات این دولت با رژیم آدمکش اسلامی را افشا کردند.

عباس امینی و فدراسیون پناهندگان ایرانی از این واقعه بیروز بیرون آمدند. عباس امینی در آخرین شبی که به پیشنهاد مسئولین فدراسیون و حامیانشان از اعتصابش دست کشید در مورد عمل دست زدن به این کار چنین گفت: "تنها بودم، کسی صدام را نمی شنید، هیچ کس نمی خواست بشنود من چه دردی دارم و چرا مجبور شدم از ایران فرار کنم". او همچنین در ادامه گفت: "پایان دادن به اعتصاب نشانه تسلیم نیست، بلکه من می خواهم زنده بمانم تا به مبارزه خود در دفاع از حقوق دیگر پناهجویان ادامه بدهم". طی این مدت صدها نفر با ارسال نامه به فدراسیون و شرکت در تظاهراتی که به حمایت از خواست عباس در مقابل محل سکونتش برپا شده بود اعلام کردند می خواهند عباس زنده بماند و در انگلیس زندگی کند. بی دلیل نیست که روزنامه ضد پناهنده و دست راستی دیلی میل با عصبانیت تمام می نویسد افراطی ها این کیس را در دست گرفته اند. با کمال افتخار اعلام می کنیم ما و جنبشی که به آن تعلق داریم، یعنی کمونیسم کارگری، در دفاع از حق انسان و در دفاع از یک زندگی بهتر، افراطی ترین های جهان معاصر باقی خواهیم ماند.

تلویزیون انترناسیونال

یکشنبه ها ساعت ۵:۳۰ بعدازظهر

تکرار: جمعه ها ساعت ۵:۳۰ بعدازظهر

بوقت تهران

در شبکه تلویزیونی کانال یک

تلویزیون انترناسیونال روی شبکه اینترنت:

www.wpiran.org/TV

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

که در کشورهای دیگر "مد" نیست و از زبان سیاستمداران و حتی روشنفکران به زور خارج میشود، خواست مردم ایران و شعار تظاهرات و اعتراضات هر روزه آنان در برابر جمهوری اسلامی است. در غرب از نسبت فرهنگی و پست مدرنیسم و نئولیبرالیسم و نئوکسرواتیسم صحبت میکنند، در شرق از اسلام و ناسیونالیسم و قومپرستی میلیتانت و در ایران، از سکولاریسم و آزادیهای بیقید و شرط و لغو مجازات اعدام و حقوق کودک. ایران کشوری خلاف جریانست. در دنیای پس از دیوار برلین همه احزاب و نیروهای سیاسی به راست خود متمایل میشوند و اتکا میکنند و در ایران مردم و بخش عمده ای از نیروهای اپوزیسیون به چه خم شده اند. حزب ما محور و نقطه اتکا چه و کل جنبش سرنگونی است. زمانی که حزب ما جدائی مذهب از دولت و آزادیهای بیقید و شرط را در برنامه اش نوشت و وقتی که از سکولاریسم سخن گفت اینها در فضای سیاسی ایران حرف نامانوس و عجیبی محسوب میشد، اما امروز همه نیروهای اپوزیسیون و حتی بخشهایی از دوحرداری ها سکولار شده اند و از آزادیهای بیقید و شرط سخن میگویند. آنهم در شرایطی که در غرب و کل جهان نسبت فرهنگی و پست مدرنیسم برای مذهب جا باز میکنند و دموکراسی، مثلا از جانب آمریکاییها در عراق، شریک شدن سران مذاهب و اقوام در حکومت تعریف میشود.

در ایران جنبش سرنگونی از جنس دیگری است، اسلام سیاسی در حکومت است و چه قوی است و در مقایسه با کشورهای

اطلاعیه مراسم سالگرد درگذشت منصور حکمت

اطلاعات لازم در مورد تهیه محل اسکان را دریافت کنند. برای دریافت اطلاعات بیشتر و جهت نامنویسی میتوانید بطرق زیر با کمیته برگزار کننده مراسم تماس بگیرید. بار دیگر از دوستان علاقمند خواهش میکنیم که شرکتشان در مراسم را حتماً با اطلاع دهند.

تلفن: ۷۰ ۵۸ ۳۰۴ ۷۸۱ ۴۴ + جواد اصلانی
ای میل: salgardinfo@yahoo.co.uk

حزب کمونیست کارگری ایران

حزب کمونیست کارگری عراق

آذر ماجدی

۸ مه ۲۰۰۳

همانطور که در اطلاعیه های قبلی بااطاعتان رسانده بودیم مراسم سالگرد درگذشت منصور حکمت جمعه و شنبه ۴ و ۵ ژوئیه ۲۰۰۳ در لندن، انگلستان برگزار میشود. آذر ماجدی و احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق شما را به شرکت در این مراسم دعوت میکنند. بمنظور تسهیل امور تدارکاتی از دوستانی که مایل به شرکت در مراسم هستند جدا خواهش میکنیم که هر چه سریعتر با ما تماس بگیرند.

اطلاعات دقیقتر در مورد چگونگی برگزاری مراسم بعداً بااطاعتان خواهد رسید. سایت روزنه بخشی را از فردا به مراسم سالگرد منصور حکمت اختصاص خواهد داد. اطلاعیه های جدید و اطلاعات مختلفی که مورد نیاز دوستان است در این سایت بچاپ میرسد. دوستانی که از کشورهای مختلف به لندن میآیند و احتیاج به محل اسکان دارند، میتوانند بزودی به روزنه رجوع کنند و

ادامه اعتراض تشکلهای کارگری به جمهوری اسلامی

اعتراضات کارگران ایران برای کسب دستمزدهای معوقه اعلام میدارم. ۲- قویا دولت جمهوری اسلامی ایران را برای حمله وحشیانه به اعتصابات کارگری و پایمال کردن حقوق کارگران محکوم می کنم. همچنین اعمال غیر مستولانه دولت جمهوری اسلامی را نسبت به نیازها و خواستههای کارگران محکوم می کنم.

۳- من خواهان پرداخت فوری دستمزدهای معوقه کارگران چیت سازی بهشهر و سایر کارگران کارخانجات ایران هستم. من همچنین خواهان بیمه از کار افتادگی و بیمه بیکاری برای کارگران بیکار هستم. ۴، من خواهان حق اعتصاب برای کارگران، تشکلات کارگری، حق قرار دادهای جمعی و آزادی بی قید شرط بیان، اجتماعات، و تظاهرات هستم.

* "کمیته تدارک اعتصاب عمومی" در استان بریتیش کلمبیای کانادا در نامه ای به کارگران بهشهر، که نسخه ای از آن به حزب کمونیست کارگری ایران ارسال شده، همبستگی خود را با مبارزات کارگران بهشهر اعلام کرده است.

کمپین حزب کمونیست کارگری ایران برای جلب پشتیبانی از کارگران دستمزد نگرفته و اعتصاب و تحصن کارگران چیت بهشهر ادامه دارد. ما همه کارگران و سازمانهای مترقی و کارگری را به پشتیبانی فوری به هر شکل ممکن از کارگران چیت بهشهر فرا میخوانیم. ■

ما وضعیت جسمی تعدادی از آنها به وخامت گراییده و بعضی از آنها در بیمارستان بستری شده اند. در عین حال کارگران در سایر مناطق و بخشهای دیگر ایران نیز با عدم پرداخت دستمزدها مواجه هستند و به اعتراضات و اعتصابات دست میزنند.

ما از شما میخواهیم که به هر اقدام ممکن برای اینکه کارگران چیت بهشهر و سایر کارگران دستمزدهای پرداخت نشده خود را هرچه زودتر دریافت کنند، دست بزنید.

ما همچنین به شما تاکید میکنیم که حقوق برسمیت شناخته شده بین المللی کارگران از جمله حق تشکل و حق اعتصاب را برسمیت بشناسید"

* اتحادیه ماشین سازی لوکال ۱۹۹: بروس آلن در نامه ای به خاتمی به نپرداختن دستمزد کارگران اعتراض کرد و حمایت خود را از کارگران چیت بهشهر اعلام نمود. در این نامه اینطور آمده است: "من بروس آلن نایب رییس اتحادیه کارگران ماشین سازی واحد ۱۹۹ انتاریو از اعتراضات کارگران در ایران برای کسب حقوق معوقه خود کاملاً حمایت می کنم. طبق آمار داده شده توسط خود دولت جمهوری اسلامی صد هزار کارگر ۲ تا ۳ ماه است که دستمزد دریافت نکرده اند. تعداد واقعی کارگران البته بسیار بیش از این است.

در قسمتی دیگر از نامه بر این خواستهها تاکید شده است: "۱- من حمایت کامل خود را از

در ادامه کمپین بین المللی حزب کمونیست کارگری ایران برای حمایت فوری از کارگران چیت بهشهر، ارسال نامه های اعتراضی به مقامات حکومت اسلامی همچنان ادامه دارد. در دو هفته گذشته نامه های اعتراضی تشکلهای کارگری و احزاب مترقی به جمهوری اسلامی را در کشورهای سوئیس، نروژ، کانادا، آلمان، استرالیا، دانمارک، سوئد، اندونزی، ترکیه، و پاکستان را باطالع رساندیم. در هفته اخیر نیز این اعتراضات در حمایت از کارگران بهشهر ادامه داشت.

* کنت جرجتی رییس کنگره کار کانادا در نامه ای به خاتمی نوشت: "از طرف دو ونیم میلیون تن از اعضای کنگره کار کانادا این نامه را بعنوان اعتراض به بی مسئولیتی حکومت شما در قبال کارگران چیت بهشهر که از ۱۵ ماه مه در اعتصاب غذا بسر میبرند، مینویسم. بنا به اطلاع ما این کارگران که تعداد آنها حدوداً ۲۰۰۰ نفر است اکنون ۲۷ ماه است حقوقی دریافت نکرده اند. طلب آنها بالغ بر ۵ میلیارد تومان میشود. مقامات حکومت شما موافقت کرده اند که تنها ۲۰۰ میلیون تومان از این مبلغ را در کوتاه مدت بپردازند و پرداخت بقیه طلب کارگران را به زمانی نامعلوم موکول کرده اند. کارگران طبعاً این پیشنهاد را رد کرده و یک سری دیگر از اعتراضات از جمله تحصن در کارخانه و اعتصاب غذا در را پیش گرفته اند. بر اساس اطلاعات

از صفحه ۱ به کارگران و مردم مبارز بهشهر

فرامیخواند. حکومتی که هیچ تعهدی در مقابل مردم ندارد، باید سرنگون شود. این رژیم بجز فقر و محرومیت، خفقان و سرکوب، جنگ و کشتار و یک حکومت کثیف مذهبی شمری برای اکثریت مردم نداشته است و باید سرنگون شود. اعتراض امروز شما ایجاد آمادگی برای سرنگونی این حکومت نیز هست.

حزب کمونیست کارگری از مطالبات عادلانه شما و از مبارزه شجاعانه شما با تمام قوا پشتیبانی میکند. حزب کمونیست کارگری خبر اعتراضات شما را در ایران و در سطح جهان منعکس میکند، و پشتیبانی سازمانهای کارگری و احزاب سیاسی مترقی از مبارزات شما را جلب میکند. این حزب شما و آرزوهای انسانی شما است، شما را به پیوستن به این حزب برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی و برابر و شایسته انسان فرامیخوانیم.

اصغر گرمی

رییس هیئت دبیران حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ خرداد ۱۳۸۲ (۵ ژوئن ۲۰۰۳)

حکومت است. کارگرانی که در حال اعتصاب غذا هستند نیز در آنصورت احتیاجی به ادامه اعتصاب غذا ندارند. باید سریعتر به یاری آنها شتافت. رژیم در ضعیف ترین موقعیت خود قرار گرفته است، خشم و اعتراض مردم از همه جا زبانه میکشد. سران رژیم از اوضاع بحرانی خود آگاهند و وحشت بر آنان حاکم است. اعتراض شما میتواند خیلی سریع به نتیجه برسد. از موقعیت بحرانی حکومت باید استفاده کرد.

در همه محلات و کارخانه ها، در مدارس و ادارات شبکه های حمایت از کارگران چیت سازی تشکیل دهید، با ایجاد صندوق های مالی به خانواده کارگران اعتصابی کمک کنید، در و دیوار شهر را از شعار در دفاع از کارگران و علیه حکومت پر کنید. رژیم باید صدای خشم، نفرت و اعتراض شما را هرچه بلندتر بشنود. حزب کمونیست کارگری همچنین کارگران و مردم آزادیخواه در سایر شهرهای ایران، صدها هزار کارگری که دستمزدشان پرداخت نشده، کارگران مراکز کلیدی و دانشجویان و معلمان را به حمایت قاطعانه از مبارزه کارگران بهشهر

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!